

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(خطبه‌های قدر از زبان قرآن کریم)

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۲۵ خرداد ۹۶

به نام آفریننده‌ای که آغاز و پایان هر جنبنده‌ای به دست اقتدارش می‌باشد؛ پس هستی، در لوح محفوظ نشان از عظمتی دارد که یکی از آن نشانه‌ها قدر است. «انا انزلناه فی لیلہ القدر» لیلی بدون قرینه، شبی بی‌مانند در رحمت و اسعه‌ی پروردگار. چه کسی جز قلب نازنین پیامبر (ص) نشانه‌ی این قدرت بی‌همتاست؟ فرستاده می‌آید: ای محمد، امت خویش را بر سفره‌ی قدر بنشان تا از انوار قرآن کریم راهی هزار ماهه روند.

اینک در شبی دیگر از این نعمت پروردگار قرار گرفتیم. آمده تا جان جدا گشته از ملکوت را با یارب یاربش مجدداً مهمان آن سرا کند. چشم‌ها مشتاقانه به آسمان می‌نگرد: پروردگارم، خویشتن خویش را گم کرده‌ام؛ به کدام آدرس مراجعه کنم؟ وعده فرموده‌اید آدرسش در سیاهی امشب است که فجری نجات‌بخش را مژده می‌دهد. به طمع آن وعده‌ی شیرین به بستر نرفته‌ام تا مبادا چشمم بسته شود و از احسانش جا بمانم پس یاریم کن کتابت را که هدیه‌ی این شب ملکوتی است با خون رگ‌هایم در صفحه‌ی جان بنگارم همانند جانشین پیامبرم، امام و رهبرم که فرمود: به خدای کعبه که رستگار شدم؛ قرآنی که سینه‌اش را حکایت‌های جهل بشر پیش‌تر از فرق سرش شکافته بود؛ مدعیان مسلمانی که همواره بر دامن ملکوتی‌اش چنگ می‌زدند و قلب مبارکش را در جهل و نادانی پاره پاره می‌کردند. ای وای بر شیطان صفتانی که از همان زمان تا قیامت از نام مبارکش می‌گریزند و او همان فجر است که پروردگار عالم مژده سلامتی را در آن به عالم هدیه فرمود پس آفریدگارش را در ساعات امشب به مدد می‌خوانیم: یا رب، رمضان از نیمه گذشت و شب‌هایم سپری گشت؛ دهانم را از طعام بسته‌ام ولی دم را در طعام نفسم از وسوسه‌ها حفظ نکرده‌ام اینک درونش انباشته از غذاهای رنگین است که هر کدام خاصیت مخصوص به خود را دارد. اشتیاقم

برای نعمت‌های ضیافتت مرا بر سر سفره‌ی رحمتت نشانده. چه کنم؟ مرا دریاب؛ جان خو گرفته بر خاک را به وعده‌ی نجات به این مکان آورده‌ام زیرا خود فرموده‌ای: گدا را مران. صاحب خانه‌ای که عرشیان و فرشیان محتاج نگاه پر محبتش هستند اینک مرا می‌خواند: چه می‌کنی؟ آیا امشب را نیز در افکار آب و نان می‌گذرانی؟ این طعام شایسته‌ی تو نیست تو اهل جنات نعیم هستی رهایش کن با من بیا تا جانت را با طعام ملکوتی از این خانه‌ی پر زحمت برهانم پس صدایم کن با سینه‌ای که شعله‌اش جانت را بیفروزد:

اللهم عجل لوليک الفرج